شنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۴
۱۴
شماره ۴۳۹۵
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

محمدجواد لاریجانی در گفت‌وگوی تفصیلی مشترک با «تسنیم» و «فرهیختگان» از گذشته، حال و آیندهٔ مذاکرات گفت

مذاکرهٔ غیرمستقیم، مذاکره برای هیچ نیست

آن‌ها که نظام را به خالص‌سازی متهم می‌کنند، استاد خالص‌سازی‌اند

کیان عبداللهی
معاون خبر خبرگزاری تسنیم

اگرچه رسانه‌های رسمی و عمومی شاید حال‌وهوای سابق را ندارند، اما رسانه‌های کوچک که بعضی‌شان هم محترند، بسیاری‌شان به‌شرط اینکه هر روز ژتونی خود را بالا ببرند و رادیکال هم باشند، کم‌کم رونق می‌گیرند؛ و همین امر بعضی را هم به این صرافت انداخته که چیزی نگویند مگر اینکه رادیکال باشد. این بیان رادیکال، برای برخی‌شان هم ویران‌شدن در سطح مجازی را به دنبال دارد و هم البته برای بعضی هم آوردهای اقتصادی دارد! تحلیل اینکه چرا وضعیت این‌گونه است، قاعدتاً خیلی هم ساده نیست؛ و ما اساساً خودمان شاید بیش از همه مخالف ساده‌سازی هستیم! این ماجرا شاید از برخی جهات اساساً به ساختار رسانه‌ای جدید در دنیا برمی‌گردد؛ برای به‌چشم‌آمدن، ظاهراً باید تا حدی رادیکال هم بود! یک علت دیگر به ماهیت جامعه‌شناختی مردم ایران شاید برگردد که «اعتراض» بخشی از آن است؛ بخشی دیگر هم قطعاً به وضعیت نامطلوب اقتصادی و بعضی کاستی‌های اجرایی حکمرانی مربوط است.

اما از عوامل و ریشه‌ها که بگذریم؛ «فرصت‌طلبان» و «ساده‌لوحان» هم نباید چندان نادیده گرفته شوند؛ مثلاً یک رسانه مشکوک شخصی کوچک بیرون از کشور، یک فرد سابقاً وزیر مملکت را که از قضا از خانواده‌ای معروف است، یعنی آقای علی جنتی را رسماً مثل کودک نابخته‌ای اداره می‌کند؛ به‌نحوی‌که هم سؤال را خودش اداره می‌کند و هم جواب‌های علی جنتی را خودش یا قاشق سوگیری در دهانش می‌گذارد! بارها هم به زبان بی‌زبانی می‌خواهد به او بفهمانند که اساساً خودش چندان موضوعیتی به لحاظ راهبردی ندارد، بلکه صرفاً آرتیجاکه پسریک آیت‌الله مؤثر در ایران است، یا او صحبت می‌شود تا بدانند که مثلاً در خانه چه خبر است. مثل آن کودکی که در میهمانی، دردگوشی‌ای گیر بزرگسالانی می‌افتد که از او به شوخی یا جدی می‌پرسند، پدرت در خانه راجع به چه خبر است. مثل آن کودکی که در میهمانی، دردگوشی‌ای گیر بزرگسالانی می‌افتد که از او به شوخی یا جدی می‌پرسند، پدرت در خانه راجع به چه خبر است.

اما به‌هرحال در همین گفت‌وگوها، به درست یا غلط، مدعایی درباره شرایط کشور مطرح می‌شود که بد نیست دربارهٔ آن‌ها بحث شود؛ اینکه چرا ایران مذاکره غیرمستقیم با آمریکا را پذیرفته است؟ آیا مذاکره غیرمستقیم، رسماً سر کارگذاشتن خود و دیگران است یا سابقه‌ای در گذشته و احتمالاً آورده‌ای هم در آینده دارد؟ آیا دولت‌ها در ایران هیچ‌کاره‌اند؟ رهبری در ایران پاسدار کدام بخش از نظام است؟ آیا همه دولت‌ها به دنبال توافق خوب با آمریکا بودند و رهبر انقلاب مانع شده است؟ آیا نظامی هست که به برائت‌ازی خودشان بدهد؟ آیا دولت‌ها در ایران در صف‌خریزن دردون پس از انقلاب به سر می‌برد؟ آیا بهتر نیست تکلیف کشور با رفاندوم مشخص شود؟ این‌ها بعضی از مطالبی است که در برخی گفت‌وگوها مطرح می‌شود و در گفت‌وگوی مورد اشاره هم بعضی از آن‌ها طرح شده است.

برای انساب، تصمیم گرفتیم برای بررسی پاره‌ای از این موضوعات با محمدجواد لاریجانی گفت‌وگو کنیم؛ او در صحبت‌های خود راجع به برخی از این مباحث اشاراتی کرده است.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. سلام و عرض ادب دارم خدمت شما آقای دکتر محمدجواد لاریجانی و مخاطبان گرامی. تشکر می‌کنم از شما که وقت خود را در اختیار خبرگزاری تسنیم و روزنامه «فرهیختگان» قرار دادید. مخاطبانی که ما را دنبال می‌کنند، می‌دانند که ما معمولاً در برخی از زیرمدارهای حساس، به‌ویژه در سیاست خارجی و علی‌الخصوص در مواردی که موضوع مذاکرات هسته‌ای مطرح می‌شود، معمولاً از مصاحبه‌های فنی و علمی آقای دکتر محمدجواد لاریجانی بهره‌مند می‌شویم؛ مصاحبه‌هایی که در آن‌ها معمولاً استراتژی‌ها و راهکارهای پیشنهادی قابل استفاده‌ای برای دولت‌ها وجود دارد.

حال موضوعات مختلفی درباب سیاست خارجی و حتی سیاست داخلی مطرح است، از آقای محمدجواد لاریجانی، رئیس محترم پژوهشگاه دانش‌های بنیادی درخواست کردیم که در خدمت ایشان باشیم و از نظراتشان بهره ببریم.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. بنده هم خدمت جنابعالی و همکارانتان سلام‌عرض می‌کنم و در ابتدای بحث جدید خودمان، تلقی بعضی از مسئولان این بود که ترامپ باوجود اینکه خیلی به اصطلاح بلوف می‌زند، حرف‌های زشت می‌زند و این‌ها طبیعت به‌اصطلاح نابخته او است، ولی در عین حال با واقعیت روبه‌رو است؛ این واقعیت را نمی‌تواند در منطقه عقب بکشد؛ تجربه‌های دیگری را شروع کند. بنابراین یک‌جوری می‌خواهد این تنش را در کل منطقه پایین بیاورد. ترامپ می‌خواهد تناتیاهو را هم نجات بدهد. چون پروژهٔ تأسیس رژیم‌صهیونیستی الان خسارت و زخمش خیلی زیاد شده است. این را هم اشاره کنم که وقتی مقام‌معظم‌رهبری [به رژیم‌صهیونیستی] گفتند حکومت وابسته و توجه به یکی بهتر بود گاو شیری همین تناتیاهو است. این‌ها کاملاً یک‌جور تنش خشک شده و بنابراین صهیونیست‌ها ترسشان از این است که ترامپ وقتی بیشتر هزینه نگهداری رژیم‌صهیونیستی بالاست، در این پروژه تجدیدنظر کرده و آن را [در توان داریم!] از بین ببرد.

اتفاقاً من چند سال پیش به دعوت خانم مرکل به برلین رفته بودم و برای جمع زیادی حدود ۳۰۰ نفر از اساتید و استادان سراسر آلمان و اروپا آمده بودند، صحبت کردم؛ حدود ۱۰ الی ۱۵ نفر هم از رژیم‌صهیونیستی و مناطق اشغالی آمده بودند؛ افسر بودند، دانشگاهی بودند... آنجا صحبت کردم و برای آن‌ها از خسارت‌های گسترده که یهودیان از تأسیس رژیم‌صهیونیستی دیدند. گفتم حالا شما فرض کنید که در این سرزمین اشغالی یک حکومتی بود که مسلمان یا اصلاً سکولار و یهود و مسلمان و یهودی و مسیحی همه در کنار هم زندگی می‌کردند. خب در این دوران حداقل در حال حدود ۵۰۰ میلیون نفر به عنوان مسافر دبی از همه ادیان می‌آمدند. از خود ایران شاید نزدیک به ۵ الی ۶ میلیون نفر برای زیارت بیت‌المقدس و الخلیل و... می‌آمدند، آنجا چیزهای عظیمی دارد و این معنایش این بود که آن‌ها می‌توانند بهترین هتل‌ها را بسازند. بعد مردم [مسافران و زائران] که می‌آیند، سوغاتی می‌گیرند و... بنابراین یهودیان و پولدارهای آن‌ها مقدار زیادی از دست داده‌اند. کسانی که در آمریکا نیز طرفدار این کیب و کارها هستند، آن‌ها هم ضرر کردند.

این پروژه تأسیس رژیم‌صهیونیستی با بودجهٔ ظرف ۲۰ سال نتیجه بدهد، اما ۷۰ سال است که نتیجه نداده و این یک شکست و ناکامی بزرگ است، بنابراین یک آدم باغیرضه می‌خواهد که این [گره] را باز کند و به نظرم شاید ترامپ نهایتاً این کار را بکند! اینکه ترس در مقالاتی که یهودیان و صهیونیست‌ها هم این روزها می‌نویسند، هست؛ که نهایتاً ترامپ یک آدم یهودی‌ستیز (Anti-Semite) است.

احترام می‌گذاریم. به هرصورت آن‌موقع اصلاً زمان مذاکره نبود، چون مذاکره دقیقاً تأیید این بود که شما برجام را پاره کردی و ما آماده هستیم برجام جدیدی بنویسیم.

یک چهارچوب هم به عنوان ۱۲ تا شرط بمپئو (وزیر خارجه وقت آمریکا)، می‌گفتند که آن دیگر رسماً درخواست تسلیم مطلق ایران بود.

بله، دقیقاً. بنابراین آن ترامپی که آن‌موقع بود به هیچ وجه به مصلحت نبود حتی پاسخش را بدهیم. اما ترامپی که الان سر کار آمده، ایران قوی را دیده است. شما می‌دانید ایران در این فاصله چه موقعیت عظیمی پیدا کرده است. حالا بعضی‌ها نمی‌توانند این‌ها را هضم کنند و دلار را محور قدرت ایران می‌دانند. اصلاً دلار چرا شاخص اقتصادی ماست؟! این خودش یکی از آن گرفتاری‌ها و نفهمی‌های اقتصادی است! شاخص اقتصاد ما به دلار نیست، اقتصاد چند شاخص خیلی کلیدی دارد؛ شاخص‌هایش به میزان تولید و صادرات ماست، به میزان اشتغال ماست، به اتکای ما به کالاهای اساسی است. من نمی‌دانم آن کتاب «تدین، حکومت و توسعه» را دیده‌اید؟ آنجا در ذکر معیارهای توسعه، یکی از نکات مهم این است که ما دنبال یک معیار هایی نباشیم که خیلی ظاهری است.

حالا قیمت دلار یه تقریباً می‌شود گفت چرا بالا و پایین می‌کند؛ یک بخش آن کاملاً دستی است و یک بخش به اصطلاح speculation (انتظاری و سفته‌بازی) است. یک بخش هم مربوط به مسائل تحریم و... است. پس ببینید الان کاملاً مشخص است ترامپی که حالا سر کار آمده چه چیزهایی را دیده است. اولاً قدرت ما را دیده است... ببینید همین‌هایی که می‌گویند این‌ها [محورهای مقاومت در منطقه] نیابتی شما هستند -که البته نیستند- اما ببینید همین هزه‌ها با این ظرفیت کم و اندکش نزدیک به دو سال است که یکی از معروف‌ترین ارتش‌های منطقه را بدبخت کرده‌اند... بله، آن‌ها که [رژیم‌صهیونیستی] اتم می‌کشند، اما اینکه کار مهم یک نظامی نیست، اینکه پسر بیاید مردم را در خیمه‌ها بزنید و بکشید، این کار خیلی مهمی است؟! ولی در عین حال موشک‌های این‌ها [مقاومت غزه] به عسقلان می‌خورد، به اشدود می‌خورد و آن‌ها را بیچاره می‌کند.

آن‌ها فهمیده‌اند که منبع این ایده‌ها کجاست. همین‌طور در یمن... ببینید یمن عملاً بزرگ‌ترین ناوگان دریایی جهان را به چالش کشیده. شما فکر می‌کنید کم چیزی است؟!

تقریباً یک ماه پیش یک مقاله در یکی از مجلات معروف آمریکا نوشته شده بود که اصلاً این یک پدیده جدید است! ما باید فکر جدیدی بکنیم! خب این یعنی نیرو و قدرت عظیمی در منطقه ظهور پیدا کرده است؛ ایران دیگر آن ایران قبل نیست. حالا این ترامپ بلوف می‌زند و ممکن است شرط و شروطی هم بگذارد در مذاکرات آنطور نیست، حالا نمیزان عوض شده است.

اما این‌ها توانمندی ما را دیده‌اند؛ دیده‌اند که وقتی لازم باشد ما جرأتش را داریم. اصلاً سابقه دارد که کشوری بتواند رژیم‌صهیونیستی را اینچنین بزند؟! وعده صادق یک و دو... که حالا وعده صادق سوم توی جیب هست که هر وقت دوست داشتید برایشان ارسال می‌شود که حظش را ببرند! بنابراین می‌خواهم بگویم که ما خودمان را باید جای آن‌ها بگذاریم و تبلیغات را رها کنیم. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که یک ایرانی است که اگر زیاد اذیتش کنیم کل منطقه را به آشوب می‌کشد؛ یعنی از عربستان و کویت و امارات و قطر و این کشورهایی که پایگاه‌های آمریکا در آنهاست و البته دورتر... یعنی الان موشک‌ها به دیه‌گو گارسیا هم می‌رسند، بنابراین کجا این است برای این قدرت؟!

چون بعضی‌ها می‌گویند آن زمان دوره طلایی بود و ما بهترین فرصت را از دست دادیم...

طلایی بود، اما طلایی بودنش از این سمت است! این نشان می‌دهد سیاست و نظام ما در فهم آمریکا درست بوده و این نکته خیلی مهمی در این مذاکره است. اینکه ما معقل اینجا بنشینیم و بگوییم ما مذاکره کار را تمام می‌کند و کشور را معقل این کنیم، بزرگ‌ترین اشتباه است و حالا که روشن شده، خیانت به ملت ماست! این نشان‌دهنده عدم‌اعتماد به توانمندی ماست! عدم فهم درست از جهان است. امکاناتی که ما داریم، این چیز خیلی مهمی است. ان‌شاءالله این‌جور نمی‌شود، یعنی ما همه دعا می‌کنیم دولتمان در مذاکرات موفق شده و گشایش برای کشورمان پیدا شود، چون تحریم‌ها تجاوز به حقوق ماست. اصلاً اگر ما نیازی هم به رفع تحریم‌ها نداشته باشیم باید برای رفع تحریم حرکت کنیم. تحریم یک تجاوز آشکار است و صرفاً این نیست که وضع دلار را بالا و پایین می‌کند. اصلاً کیسه وضع ما کال و بلبل باشد، ما باید برای رفع تحریم‌ها تلاش کنیم و این مذاکرات می‌تواند مفید باشد.

بله، درست است. یکی از ادعاها و شبهاتی که مطرح می‌کنند این است که ما یک فرصت‌سوزی در حل مشکلات و اصلاح مناسباتمان با آمریکایی‌ها درطول این ۲۰ تا ۳۰ سال اخیر داشته‌ایم و دولت‌های مختلف هم این اراده و تمایل را برای اصلاح مناسبات داشتند. مثلاً دولت آقای هاشمی دنبال این بود، همچنین دولت آقای خاتمی، آقای احمدی‌نژاد هم مثلاً دریک دوره‌ای دنبال این بوده و دولت آقای روحانی و الان هم آقای پزشکیان؛ بعضی‌ها این موضوع را مطرح می‌کنند که این فرصت‌سوزی شده و ما این همه‌سال را از دست داده‌ایم و الا اوباما خیلی آدم شیک و تروتمیزی بود. دوره او دوره طلایی توسط برخی از آقایان خوانده شده است. می‌گفتند او بدنبال این بود که ایران را به‌طور کامل بمرسیمت بشناسد، مثلاً بحث حقوقش و... را.

مدعی‌اند ترامپ هم مثلاً در دوره اول خیلی آدم کاسبی و اهل معامله‌ای بود و... یعنی نوعی دیدگاه کاملاً تزئینی راجع‌به آمریکایی‌ها و وجود دارد و معتقدند دولت‌ها می‌خواستند، اما مقام‌معظم‌رهبری باعث شدند اینها به این سمت نروند. پاسخ این شبهه چیست؟

آنهایی که این حرف را می‌زنند، عمدتاً از جبهه اصلاحات کشورند. این‌ها با امام(ره) هم این مشکل را داشتند. مک‌فارلین برای زمان امام است. آنها معتقدند مک‌فارلین با کیک و شیرینی آمد و کلی نامه‌های عاشقانه و این حرف‌ها، ولی اعتنایی به او نکردند؛ فرصت طلایی بود! بعد می‌گویند آقای هاشمی رفت با آقای خامنه‌ای بحث کرد و نشد... اینجا بحث سر همین نکته است که ما با مذاکره چه چیزی را می‌خواهیم به‌دست آوریم. فرض کنید سفارت آمریکا هم باز بشود... مهم این است که ما از آمریکایی‌ها چه می‌خواهیم و آنها از ما چه می‌خواهند که اگر این حل نشود که مسئله‌ای حل نشده است. اصلاً سفارت را باز می‌کنیم، تحریم‌ها هم حذف، چه می‌شود؟ مثلاً؟ ما باید بدانیم آنها چه انتظاری از ما دارند؟ انتظار خیلی روشن است! از نظر آنها ما باید مثل گلدسته زیرسیگارمان باشیم و به یک دیگر از گاوهای شیری منطقه تبدیل شویم. این خیلی خیلی روشن است. پس پای استقلال کشور اینجا وسط است... بله، به نظر من یکی از دستاوردهای مهم حضرت امام(ره) و مقام‌معظم‌رهبری پاسداری از استقلال ایران است. اتفاقاً این اعتراف خوبی است که برخی می‌کنند و من این اعتراف را قبول دارم! این پاسداری قوی از استقلال کشور است. اصلاً جدا از اینها گفته می‌شود اکثر مردم می‌گویند ما آمریکا صحبت و مذاکره کنیم تا مسائلمان حل شود. چرا سؤال را به این شکل مطرح نمی‌کنیم که ایالات متحده آمریکا در این دخشش باید ما نه اینها باید راه را به اصطلاح زیاد اذیت کرده و تحریکش کنیم؛ این یک فرضیه است که به نظر من خیلی بی‌ربط نیست... اگر این فرضیه درست باشد، پاسخ ما به او باید در مذاکره مشخص بشود. این مذاکرات یکی از فرایندش این است که ما نلقی دشمن از خودمان را دقیق کنیم. در این مسیر چند مسئله مهم است که باید در این مذاکرات رعایت بشود. اولاً این منطق شیطان بزرگ و روباه ریکان بود، در دفترش هم را می‌دانید) باید کنار گذاشته شود؛ بزرگ‌ترین مشکل ما در مذاکرات برجام این منطق استیصال بود و الان هم در اینیات مسئولان گاهی دیده می‌شود! مسئولان حاضر یا گذشته، با در جناح اصلاحات یا طیف‌های اصلاحات! اینکه ما بدبخت کامل هستیم و هیچ راه‌نجاتی وجود ندارد، چرا اینکه ما با آمریکا مذاکره کنیم. بیشتر کلمه مذاکره اینجا غلط انداز است! مذاکره خالی که مسئله‌ای را حل نمی‌کند. چرا اینکه ما گاو شیری آمریکا بشویم! خیلی ساده و بی‌پروا. خب این بحث اصلی است و استیصال یعنی همین. پس ما نباید در داخل کشور مباحثی مطرح کنیم که دشمن کشته کند! ما مستأصل هستیم، به اینکه اگر کسی انتقاد کرد بگوییم شما دولت را تضعیف کردید. انتقاد درست، دولت را در مذاکرات تضعیف نمی‌کند، استیصال است که آن‌ها را تضعیف می‌کند و این یک خطر بسیار مهمی است در این قضیه.

نکته بعدی که رعایت آن در مذاکرات خیلی ضروری است این است که ما بله را بدون راهی به موفقیت داشته باشد.

بله می‌تواند راهی به موفقیت داشته باشد.

یعنی مذاکره غیرمستقیم، یک مذاکره سرکاری نیست.

نه نیست. البته این بستگی دارد به اینکه ما چگونه عمل کنیم، آن واسطه چقدر موقعیت جوش دادن داشته باشد و... حالا این مسائلی است که الان من نمی‌خواهم زیاد آن‌ها را باز کنم.

ما الان همانطور که قبلاً هم گفتم؛ از دولت‌مان در این مذاکرات حمایت می‌کنیم. چون دارد با طرف خارجی صحبت می‌کند و اگر اشکالاتی باشد علی‌الاصول، آن بخشی که مقام‌معظم‌رهبری به اسم ما اشاره می‌کنند این است که ما رایزنی و راه عموم باید باشند، تقویت دولت است. دولت نباید احساس کند اگر کسی یک نظر مخالف داد و مخل بر مذاکرات است، دولت باید این مخالف و نقدها را هم به آن‌ها بفروشد و بگوید که من باوجود این فضای منطقه و حجم فشار، دارم خودم را فدا می‌کنم که با شما بنشینم و صحبت کنم. انصافاً هم با این اشخاص [آمریکایی] آنشستن و صحبت کردن خیلی کفاره دارد (خنده).

در طرف آمریکایی هم همین طور است؛ درحالی که نماینده آمریکا لحن ملوانه دارد، در داخل مذاکرات دارد، همپیالگی‌های ترامپ در کنگره و سنا حرف‌های جدی‌تری دارند و ترامپ را تهدید می‌کنند که اگر چنین و چنان نکند، در کنگره جلوی توافق را می‌گیرند!

بحث دیگری که مطرح می‌کنند این است که ما چرا سال ۹۴ مذاکره را نپذیرفتیم؟ یعنی آن زمان باز هم ترامپ بود، باز هم پیام بود، پیشنهاد بود و آن هم ظاهرش گفتگو بود، اما آن‌موقع نپذیرفتیم. حالا بعضی‌ها این تعبیر را به کار می‌برند که آن‌موقع دلار مثلاً ۱۳ هزار تومان بود یا ۲۰ هزار تومان و الان بعضی زمزمه‌ها را می‌کنند که مذاکرات در کنگره و سنا شروع شود حدود ۱۰۰ هزار تومان شده بود. خب چرا در زمان دلار ۱۳ تومانی نپذیرفتیم، ولی در زمان دلار ۱۰۰ هزار تومانی پذیرفتیم؟

بله، اینجا بنده را به اصطلاح، اشتباه حساب یا مغالطه وجود دارد. اول اینکه آن زمان ترامپ تازه به حرفم را پاره کرد و گفت‌وبه که بود که من می‌خواهم از تو مذاکره کنم؛ یک برجام بفهمید! خب، قول این خواست در آن حالت دافی هم که داشت، اینجا چهارچوبی با نظر ایران درست شروع بشود تا مسئله هم مذاکره و آبروی ملت را بردی و ما حاضر دوباره می‌نشینیم برای مذاکره. البته من همان زمان هم با شما صحبت کردم و گفتم، اینکه دولت ما بلافاصله آمد و گفت ما حاضر ما با کره ۴+۱ یک کار می‌کنیم، این هم یک اشتباه حقوقی بود و هم یک اشتباه سیاسی و استراتژیک. حالا ما به نظر دولت خودمان بود، مشخص بشود از لحاظ بین‌المللی و عقربش را هم بپذیرد. آن‌وقت ما پیشنهاد کرده بودیم که اگر این دو مورد انجام بشود، ما در آن صورت آنش‌بس دوفاکتو (de-facto-درعمل) را قبول می‌کنیم که امام(ره) پرسیدند دوفاکتو چیست و برای چه؟! ما اصلاً ما آنش‌بس کامل را قبول می‌کنیم. اما این دو مورد باید حتماً [در قطعنامه] باشد و برای ایشان تعیین متجاوز حتی از تعیین غرامت بالاتر بود. چون ایشان می‌دانست که این غرامت را و آنذر نمی‌کند ما بدهد و صدام که ملت عراق نیست، اما تعیین متجاوز حتماً در تاریخ می‌ماند. خب این چهارچوب [قطعنامه] ۵۹۸ بود که امام مشخص کردند و تقریباً در همین چهارچوب انجام شد. ولی البته مذاکرات طولانی بود و آنقدر نتوانستیم به این چهارچوب اعتقاد داشت. آندرتونی درکل در طول جنگ هم نسبت به ایران بود، مشخص بشود از لحاظ بین‌المللی و عقربش را هم بپذیرد. آن‌وقت ما پیشنهاد کرده بودیم که اگر این دو مورد انجام بشود، ما در آن صورت آنش‌بس دوفاکتو (de-facto-درعمل) را قبول می‌کنیم که امام(ره) پرسیدند دوفاکتو چیست و برای چه؟! ما اصلاً ما آنش‌بس کامل را قبول می‌کنیم. اما این دو مورد باید حتماً [در قطعنامه] باشد و برای ایشان تعیین متجاوز حتی از تعیین غرامت بالاتر بود. چون ایشان می‌دانست که این غرامت را و آنذر نمی‌کند ما بدهد و صدام که ملت عراق نیست، اما تعیین متجاوز حتماً در تاریخ می‌ماند. خب این چهارچوب [قطعنامه] ۵۹۸ بود که امام مشخص کردند و تقریباً در همین چهارچوب انجام شد. ولی البته مذاکرات طولانی بود و آنقدر نتوانستیم به این چهارچوب اعتقاد داشت. آندرتونی درکل در طول جنگ هم نسبت به ایران

ادامه در صفحه ۱۵

فرهیختگان
راهبرد

شنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۴
۱۴
شماره ۴۳۹۵
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

نکرده و برداشت نظام ما نیز همچنان همان است. یعنی ما همچنان بر این باوریم که آمریکا نه از سیاست سلطه در منطقه دست کشیده و نه آمده است که مانند یک بازیگر عادی و محترمانه رفتار کند.

اتفاقاً رفتار شخصی که الآن در رأس حاکمیت آمریکاست، دقیقاً این مسئله را نشان می‌دهد. البته همه بلوف‌ها را هم نباید جدی گرفت، اما مشابه دیدید که ملاً همین فرد، در مورد تعرفه‌ها ابتدا همه چیز را بالا برد، بعد که دید اوضاع به‌هم ریخت و ۶ تریلیون دلار از ثروتشان هدر رفت، دوباره تعرفه‌ها را پایین آورد. بعد دوباره از همان موارد که کاهش داده بود، مثل موبایل و لپ‌تاپ، برخی را به حالت اول برگرداند! خب، این‌ها همه نشان می‌دهد با فردی طرفیم که درک درستی از واقعیت‌ها ندارد.

یک چهارچوب هم به عنوان ۱۲ تا شرط بمپئو (وزیر خارجه وقت آمریکا)، می‌گفتند که آن دیگر رسماً درخواست تسلیم مطلق ایران بود.

بله، دقیقاً. بنابراین آن ترامپی که آن‌موقع بود به هیچ وجه به مصلحت نبود حتی پاسخش را بدهیم. اما ترامپی که الان سر کار آمده، ایران قوی را دیده است. شما می‌دانید ایران در این فاصله چه موقعیت عظیمی پیدا کرده است. حالا بعضی‌ها نمی‌توانند این‌ها را هضم کنند و دلار را محور قدرت ایران می‌دانند. اصلاً دلار چرا شاخص اقتصادی ماست؟! این خودش یکی از آن گرفتاری‌ها و نفهمی‌های اقتصادی است! شاخص اقتصاد ما به دلار نیست، اقتصاد چند شاخص خیلی کلیدی دارد؛ شاخص‌هایش به میزان تولید و صادرات ماست، به میزان اشتغال ماست، به اتکای ما به کالاهای اساسی است. من نمی‌دانم آن کتاب «تدین، حکومت و توسعه» را دیده‌اید؟ آنجا در ذکر معیارهای توسعه، یکی از نکات مهم این است که ما دنبال یک معیار هایی نباشیم که خیلی ظاهری است.

حالا قیمت دلار به تقریباً می‌شود گفت چرا بالا و پایین می‌کند؛ یک بخش آن کاملاً دستی است و یک بخش به اصطلاح speculation (انتظاری و سفته‌بازی) است. یک بخش هم مربوط به مسائل تحریم و... است. پس ببینید الان کاملاً مشخص است ترامپی که حالا سر کار آمده چه چیزهایی را دیده است. اولاً قدرت ما را دیده است... ببینید همین‌هایی که می‌گویند این‌ها [محورهای مقاومت در منطقه] نیابتی شما هستند -که البته نیستند- اما ببینید همین هزه‌ها با این ظرفیت کم و اندکش نزدیک به دو سال است که یکی از معروف‌ترین ارتش‌های منطقه را بدبخت کرده‌اند... بله، آن‌ها که [رژیم‌صهیونیستی] اتم می‌کشند، اما اینکه کار مهم یک نظامی نیست، اینکه پسر بیاید مردم را در خیمه‌ها بزنید و بکشید، این کار خیلی مهمی است؟! ولی در عین حال موشک‌های این‌ها [مقاومت غزه] به عسقلان می‌خورد، به اشدود می‌خورد و آن‌ها را بیچاره می‌کند.

آن‌ها فهمیده‌اند که منبع این ایده‌ها کجاست. همین‌طور در یمن... ببینید یمن عملاً بزرگ‌ترین ناوگان دریایی جهان را به چالش کشیده. شما فکر می‌کنید کم چیزی است؟!

تقریباً یک ماه پیش یک مقاله در یکی از مجلات معروف آمریکا نوشته شده بود که اصلاً این یک پدیده جدید است! ما باید فکر جدیدی بکنیم! خب این یعنی نیرو و قدرت عظیمی در منطقه ظهور پیدا کرده است؛ ایران دیگر آن ایران قبل نیست. حالا این ترامپ بلوف می‌زند و ممکن است شرط و شروطی هم بگذارد در مذاکرات آنطور نیست، حالا نمیزان عوض شده است.

اما این‌ها توانمندی ما را دیده‌اند؛ دیده‌اند که وقتی لازم باشد ما جرأتش را داریم. اصلاً سابقه دارد که کشوری بتواند رژیم‌صهیونیستی را اینچنین بزند؟! وعده صادق یک و دو... که حالا وعده صادق سوم توی جیب هست که هر وقت دوست داشتید برایشان ارسال می‌شود که حظش را ببرند! بنابراین می‌خواهم بگویم که ما خودمان را باید جای آن‌ها بگذاریم و تبلیغات را رها کنیم. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که یک ایرانی است که اگر زیاد اذیتش کنیم کل منطقه را به آشوب می‌کشد؛ یعنی از عربستان و کویت و امارات و قطر و این کشورهایی که پایگاه‌های آمریکا در آنهاست و البته دورتر... یعنی الان موشک‌ها به دیه‌گو گارسیا هم می‌رسند، بنابراین کجا این است برای این قدرت؟!

چون بعضی‌ها می‌گویند آن زمان دوره طلایی بود و ما بهترین فرصت را از دست دادیم...

طلایی بود، اما طلایی بودنش از این سمت است! این نشان می‌دهد سیاست و نظام ما در فهم آمریکا درست بوده و این نکته خیلی مهمی در این مذاکره است. اینکه ما معقل اینجا بنشینیم و بگوییم ما مذاکره کار را تمام می‌کند و کشور را معقل این کنیم، بزرگ‌ترین اشتباه است و حالا که روشن شده، خیانت به ملت ماست! این نشان‌دهنده عدم‌اعتماد به توانمندی ماست! عدم فهم درست از جهان است. امکاناتی که ما داریم، این چیز خیلی مهمی است. ان‌شاءالله این‌جور نمی‌شود، یعنی ما همه دعا می‌کنیم دولتمان در مذاکرات موفق شده و گشایش برای کشورمان پیدا شود، چون تحریم‌ها تجاوز به حقوق ماست. اصلاً اگر ما نیازی هم به رفع تحریم‌ها نداشته باشیم باید برای رفع تحریم حرکت کنیم. تحریم یک تجاوز آشکار است و صرفاً این نیست که وضع دلار را بالا و پایین می‌کند. اصلاً کیسه وضع ما کال و بلبل باشد، ما باید برای رفع تحریم‌ها تلاش کنیم و این مذاکرات می‌تواند مفید باشد.

بله، درست است. یکی از ادعاها و شبهاتی که مطرح می‌کنند این است که ما یک فرصت‌سوزی در حل مشکلات و اصلاح مناسباتمان با آمریکایی‌ها درطول این ۲۰ تا ۳۰ سال اخیر داشته‌ایم و دولت‌های مختلف هم این اراده و تمایل را برای اصلاح مناسبات داشتند. مثلاً دولت آقای هاشمی دنبال این بود، همچنین دولت آقای خاتمی، آقای احمدی‌نژاد هم مثلاً دریک دوره‌ای دنبال این بوده و دولت آقای روحانی و الان هم آقای پزشکیان؛ بعضی‌ها این موضوع را مطرح می‌کنند که این فرصت‌سوزی شده و ما این همه‌سال را از دست داده‌ایم و الا اوباما خیلی آدم شیک و تروتمیزی بود. دوره او دوره طلایی توسط برخی از آقایان خوانده شده است. می‌گفتند او بدنبال این بود که ایران را به‌طور کامل بمرسیمت بشناسد، مثلاً بحث حقوقش و... را.

مدعی‌اند ترامپ هم مثلاً در دوره اول خیلی آدم کاسبی و اهل معامله‌ای بود و... یعنی نوعی دیدگاه کاملاً تزئینی راجع‌به آمریکایی‌ها وجود دارد و معتقدند دولت‌ها می‌خواستند، اما مقام‌معظم‌رهبری باعث شدند اینها به این سمت نروند. پاسخ این شبهه چیست؟

آنهایی که این حرف را می‌زنند، عمدتاً از جبهه اصلاحات کشورند. این‌ها با امام(ره) هم این مشکل را داشتند. مک‌فارلین برای زمان امام است. آنها معتقدند مک‌فارلین با کیک و شیرینی آمد و کلی نامه‌های عاشقانه و این حرف‌ها، ولی اعتنایی به او نکردند؛ فرصت طلایی بود! بعد می‌گویند آقای هاشمی رفت با آقای خامنه‌ای بحث کرد و نشد... اینجا بحث سر همین نکته است که ما با مذاکره چه چیزی را می‌خواهیم به‌دست آوریم. فرض کنید سفارت آمریکا هم باز بشود... مهم این است که ما از آمریکایی‌ها چه می‌خواهیم و آنها از ما چه می‌خواهند که اگر این حل نشود که مسئله‌ای حل نشده است. اصلاً سفارت را باز می‌کنیم، تحریم‌ها هم حذف، چه می‌شود مثلاً؟ ما باید بدانیم آنها چه انتظاری از ما دارند؟ انتظار خیلی روشن است! از نظر آنها ما باید مثل گلدسته زیرسیگارمان باشیم و به یک دیگر از گاوهای شیری منطقه تبدیل شویم. این خیلی خیلی روشن است. پس پای استقلال کشور اینجا وسط است... بله، به نظر من یکی از دستاوردهای مهم حضرت امام(ره) و مقام‌معظم‌رهبری پاسداری از استقلال ایران است. اتفاقاً این اعتراف خوبی است که برخی می‌کنند و من این اعتراف را قبول دارم! این پاسداری قوی از استقلال کشور است. اصلاً جدا از اینها گفته می‌شود اکثر مردم می‌گویند ما آمریکا صحبت و مذاکره کنیم تا مسائلمان حل شود. چرا سؤال را به این شکل مطرح نمی‌کنیم که ایالات متحده آمریکا در این دخشش باید ما نه اینها باید راه را به اصطلاح زیاد اذیت کرده و تحریکش کنیم؛ این یک فرضیه است که به نظر من خیلی بی‌ربط نیست... اگر این فرضیه درست باشد، پاسخ ما به او باید در مذاکره مشخص بشود. این مذاکرات یکی از فرایندش این است که ما نلقی دشمن از خودمان را دقیق کنیم. در این مسیر چند مسئله مهم است که باید در این مذاکرات رعایت بشود. اولاً این منطق شیطان بزرگ و روباه ریکان بود، در دفترش هم را می‌دانید) باید کنار گذاشته شود؛ بزرگ‌ترین مشکل ما در مذاکرات برجام این منطق استیصال بود و الان هم در اینیات مسئولان گاهی دیده می‌شود! مسئولان حاضر یا گذشته، با در جناح اصلاحات یا طیف‌های اصلاحات! اینکه ما بدبخت کامل هستیم و هیچ راه‌نجاتی وجود ندارد، چرا اینکه ما با آمریکا مذاکره کنیم. بیشتر کلمه مذاکره اینجا غلط انداز است! مذاکره خالی که مسئله‌ای را حل نمی‌کند. چرا اینکه ما گاو شیری آمریکا بشویم! خیلی ساده و بی‌پروا. خب این بحث اصلی است و استیصال یعنی همین. پس ما نباید در داخل کشور مباحثی مطرح کنیم که دشمن کشته کند! ما مستأصل هستیم، به اینکه اگر کسی انتقاد کرد بگوییم شما دولت را تضعیف کردید. انتقاد درست، دولت را در مذاکرات تضعیف نمی‌کند، استیصال است که آن‌ها را تضعیف می‌کند و این یک خطر بسیار مهمی است در این قضیه.

نکته بعدی که رعایت آن در مذاکرات خیلی ضروری است این است که ما بله را بدون راهی به موفقیت داشته باشد. یعنی احساس نکنیم که باید بگوییم و بخندیم و چیزه